# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هفدهم) دوشنبه ۱۰ سرطان – ۱۳۴۷ هـ ش – اول جولائی ۱۹۶۸ ع


ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

## دعلمی جهانبینی پرمبنا دمترقی اووطنپالونکو اخلاقو ځواصلونه

– دزیار ایستونکو له پرمختلونکو آرمانونو سره وفاداری.
– دخلکو په مقابل کی دمسئوولیت احساس، خلکو ته خدمت، د خلکو په مقابل کی تواضع، دخلکو د ستر اکثریت درنځونو اوګټو لپاره فکر کول اودخلکو دآزادی په لاره کی مبارزه.
– له وطن سره مینه، دملی استقلال دفاع، دنوی اومترقی اجتماعی نظام دجوړولو په لاره کی مبارزه او دوطن اعمار؛
– د سولی، دملتونو د آزادی اودموکراسی دفاع؛
– دخلکو اووطن له دښمنانوسره، له ظالمو اواستثمار ګرو طبقوسره، له استبداد او ارتجاع، له استعمار اوملی ستم، له نژادی اوملی خصومت اوله جنګ، استعمار اوامپریالیزم سره نه پخلا کیدل؛
– دټولنی دښیګڼو تقدم پر فردی اوشخصی ښیګڼو؛
– معنوی صفا، سادګی اوتواضع په اجتماعی او شخصی ژوند کی، تقوی، صداقت اوپه ځان کی دزیار ایستلو، انضباط اوزړورتیا دعنصر روزنه؛
– ټولنی، کورنی، زیار ایستونکی اومترقی انسان ته احترام اودماشومانو په روزلو کی سعی؛
– د بی عدالتیو، مفتخو ری، جام طلبیو او خود خواهیو حرص اوآز، ویری، اوپر اجتماعی اوملی ګټو باندی دتجاوز اوله شرافت نه د سر غړولو پرضد مبارزه؛

## جواب ممتاز ترانسپورت

**پرچم درشمارهٔ دهم خود مضمونی تحت عنوان «هزار ملیون افغانی سوءاستفاده ازدارایی عامه» را باستناد راپور انجمن مالی ولسی جرگه، بیکی از جلسات علنی آن جرگه، انتشارداد. در راپور انجمن مالی اظهارشده بود که به انحصارات دولتی با ممتاز ترانسپورت «معاملات خاص الخاص» داشته ویك سلسله مسائل دیگر ... چنا نچه انگیزهٔ اصلی استیضاح از حکومت که چهار روزرا دربرگرفت همین موضوع بود، که متاسفانه حکومت نیز روی عواملی که بر ما پوشیده ماند (!) جواب صریحی نداده و بوزارت مالیه هدایت داد تا در بنمورد بولسی جرگه معلومات (!) بدهد. بدینجهت هنوز مجلس در مورد این راپور تصمیمی نگرفته است. ولی ممتاز ترانسپورت برای تبرئه خود بعد از نشر مضمون پرچم سیل اعلانات خود را بجرائد وروز نامه های ملی ودولتی سرازیر ساخت، اما پرچم روی اصول مرامی خود بانشر اعلا نات ممتاز ترانسپورت موافقت نکرد، بعداً دوائر تحریك مرتجعین که علیه پرچم از هیچگونه تفتین و دسیسه دریغ نمیکنند، ممتاز ترانسپورت بفشار های گوناگون ازقبیل اخطار، تهدید ودیگر سلاحهاییکه همیشه علیه عناصر مترقی بکار رفته است دست زد. وطوریکه شنیده میشود ارتجاع اینموضوع را به بهانهٔ خوبی برای تعطیل نشرات پرچم تلقی کرده است، حتی وزارت اطلاعات و کلتورنیز چندین بار نمایندهٔ پرچم را احضار وتحت فشار قرار داد و طی مکاتیب متعدد وپیهم خویش درزمینهٔ نشر جوابیهٔ ممتاز ترانسپورت اصرار ورزید.**

**پرچم بخاطر اینکه این دسیسه را که میخواستند باستناد ماده ۳۰ قانون مطبوعات شکل قانونی بدهند نیز خنثی ساخته باشد، جوابیهٔ ممتاز ترانسپورت را (با حذف دشنامهای رکیك ودور از عفت قلم آن) ذیلا نشر مینماید، ولی تازمانیکه ولسی جرگه دربارهٔ راپور انجمن مالی و بودجه تصمیم نگیرد، ما مقالهٔ «هزار ملیون افغانی سوء استفاده از دارایی عامه» راکه باستناد همان راپور تحریر شده است معتبر میدانیم.**

«درشمارهٔ دهم ۲۳ ثور ۴۷ جریدهٔ (پرچم) مضمو نی تحت عنوان (هزار ملیون افغانی سوء استفاده از دارایی عامه) جلب نظر کرد که به قلم س کشتمند نگا شته شده است. موضوع ادعای (۸۳۰) ملیون افغانی سوء استفاده ودیگر مطالبی که دربارهٔ مامورین انحصارات گفته شده البته ازطرف ادارهٔ مربوط انحصارات جواب علیحده گفته خواهد شد اما تاجائیکه بما ارتباط دارد برای روشن شدن اذهان عامه برد (نظریات ښاغلی س کشتمند) به ترتیب ذیل میپردازیم.

ښاغلی س کشتمند میگوید ممتاز ترانسپورت (۲۳۴) عراده لاری انترنیشنل امر یکائی را بحساب فی عراده دو صد هزار افغانی از انحصارات خریداری و باز آنرا فی عراده هشتصد هزار افغانی فروخته وجمعاً یکصد وچهل ملیون افغانی از دارائی عامه سوء استفاده کرده است در حالیکه این ادعا غلط این حساب غلط وبالاخره هرچه هست سرا پاغلط بوده اسناد ودلایل ذیل بطلان این اتهام غرض آلود ښاغلی س کشتمند را ثابت میکند.

ریاست نقلیات دولتی در سال ۱۳۴۱ – نظر به تصویب نمبر (۴۵۰) مورخه ۲۹ – اسد ۱۳۴۱ – مجلس عالی وزراء وبنابر غیر اقتصادی بودن تشکیل وفعالیت آن ملغی ویکصد و سی ونه عراده موتر های مستعمل آن که چندین سال د ر ریاست نقلیات ازآنها کار گرفته شده بود به شعبهٔ ترانسپورت انحصارات دولتی سپرده شد انحصارات این موتر ها را تا جائیکه امکانات آن فراهم بود ترمیم کرد ومدت چند سال دیگر ازآن کار گرفت.

شعبهٔ ترانسپورت انحصارات نیز (۹۵) عراده موتر کهنه وهم شکل موتر های نقلیات از خود داشت که چندین سال ازآن کار گرفته شده بود برای اینکه لاری های مستعمل که ازآن در بالا تذکر رفت بمعرض فروش گذاشته بتواند – انحصارات دولتی چند لاری زیل جدید روسی را هم بآن ضم وموضوع فروش این موترهارا در رادیو وجراید مرکزوولایات کشور نشر وخریداران دعوت شدتا بصورت مزایده آنرا بخرند. به مرتبهٔ اول هیئتی برای نرخ گذاری لاری ها تعیین وقیمت های آنرا تثبیت کرد اما بمنظور احتیاط مزید بار دیگر هیئت مقتدر وصاحب اهلیت دیگر از چندین اداره وموسسهٔ دولتی برای نرخ گذاری لاری های قا بل فروش مؤظف شدکه آنها هم قیمت هارا تثبیت وتعیین نمودند که ادارهٔ مربوط (ص۳)

## دربارهٔ مسألهٔ دهقانی

ببرک کارمل

از آنجائیکه اتحاد طبقه کار گر و دهقانان شرط اساسی مبارزه پیروز مند د ر راه ایفای اصلاحات عمیق دموکراتیك وتأمین رشد سریع اقتصادی و ترقی اجتماعی بشمار میرود، لازم است تابه ارتباط مقاله (ملاکین فئودال دشمن عمده طبقاتی خلق افغانستان – منتشرهٔ درشماره ششم جریده پرچم) تحلیل مختصری ازطبقه دهقان کشور بعمل آید.

یکی ازنیرو های محرکه درمبارزه رهائی بخش ملی کشور ما توده های عظیم دهقانان است. توده های عظیم دهقانان که تحت ستم مستقیم ملاکین فئودال قرار دارند، نیروی بالقوه عظیمی است که و سیعترین مبنای توده ای را در مرحله نوین جنبش رهائی بخش ملی کشور ما تشکیل میدهد.

درسیر تاریخ جنبش بورژوا – دموکراتیك کشور ها ی غر بی و یا مبارزات رها ئی بخش ملی و دموکراتیك کشور های کم رشد دوگرایش انحرافی دربرخورد بامساله طبقه کارگر و دهقان بوجود آمده است. گرایش اول چنین بوده که تمام توجه به جنبش دهقانی صورت میگرفت ونقش رهبری و پیشآهنگی طبقه کارگر رابکلی فراموش میکردند. گرایش دوم صرف متو جه جنبش کارگری بوده و دهقانان را ازیاد میبردند. هواخواهان این دوگرایش وجریانهای انحرافی اپورتونیستی که گاهی به «چپ» و گاهی به راست میلغزیدند نمی‌دانستند که نیرو های محرکه مبارزه کیانند ومنبع قدرت ومتحدین وسیع را در کجا باید پیدا کرد.

براساس جهان بینی علمی وجامعه شناسی نوین پیشآ هنگ ترین وپیگیر ترین مبارز درجنبش های د موکراتیك ومترقی کشور های سرمایه داری رشد یافته ودر راه به انجام ر سانیدن جنبشها ی رهائی بخش ملی ودموکراتیك کشورهای نو بنیاد و کم رشد آسیا ، افریقا وامریکای لاتین طبقه کارگر است که دهقانان عظیمترین وصدیق تر ین ومقدم ترین متحدین باوفای آنرا تشکیل میدهند.

در واقعیت علت بی اعتنائی واز یاد بردن دهقانان بحیث متحد ین پرولتاریا (زحمتکشان) ا ز جا نب منحرفین واپورتونیستها بیش ازهمه اینست که این «پهلوانان» ونیروهای منحرف به سلطه سیاسی زحمتکشان اعتقاد ندارند واز تغییر سریع کیفی و بنیادی در جامعه میتر سند و نمیخواهند که زحمتکشان قدرت حکومت را دردست گیرند .

باید خاطر نشان ساخت نیروهای ترقیخواه معتقد اند که : باوجود نیروی عظیم کمی دهقانان درکشورهای کم رشد، بازهم بنابروجود بیسوادی وعقب ماند گی که قرون متمادی دامنگیر دهقانان است، آنها نمیتوانند مبارزه رهائی بخش خلق را رهبری کنند. ولی اظهار این نظر به هیچوجه به این معنی نیست که به نقش تاریخی دهقانان درمبارزه کم بهاداده میشود. نیرو های ترقیخواه هرگز فراموش نمیکنند که دهقانان اکثریت عظیم نفوس جامعه را درکشور های کم رشد ونوبنیاد تشکیل میدهند و بنابران طبقه کارگر تنها ازراه اتحاد نزدیك با طبقه د هقان میتواند جنبش آزادیبخش ملی را رهبری کند .

لذا بادرنظر گرفتن مطالب اصولی فوق وظایف تاریخی که دربرابر جنبش دموکراتیك و ملی کشور ما در زمینه مسأله دهقانی قرار دارد، عبارت است از :

(۱) حل مسأله دهقانی که مستقیما به منافع اکثریت عظیم خلق مربوط است .

(۲) اجرای اصلاحات د موکراتیك وعمیق ارضی به شرکت همه دهقانان وبه نفع دهقانان میتواند بقایای نظام قرون وسطائی فئودالی راکه راه ترقی نیروهای تولیدی‌استند، ازبین‌ببرد و مساله کمبود مواد غذائی راکه ازمشکلات روز افزون وحاد کشورما است حل کند ودرنتیجه به توده های زحمتکش دهقانان کمك صورت‌گیرد تاآنان از اسارت واستثمار، ازمذلت وفشار وستم رهائی یابند .

اکنون برای اجرای وظایف فوق وبه پایان رساندن جنبش دموکراتیك وملی کشور باید وضع اقتصادی واجتماعی متحدین نزدیك وباوفای طبقه کارگر، یعنی دهقانان درجامعه افغانستان و مو قف آنها نسبت به جنبش بصورت کلی مورد مطالعه قرار گیرد. (ص ۲)

## نهضت محصلان افغانستان دربرابر چه وظایفی قرار دارد؟

محصلان در کشور مابخش قابل ملاحظه ئی از روشنفکران راتشکیل میدهند که باوجود کمیت بسیارناچیز آن، نقش وتأثیر بزرگی در جنبش رهائی بخش کشور ما، در جهت دفاع ازحقوق وآزادیهای دموکراتیك مردم ایفاء مینما یند .

باوجودآن که اکثریت روشنفکرانیکه فرصت تحصیل را در پو هنځی ها واستفاده از بورسهای کشور های خارجی پیدا می کنند، بطبقات حاکمه وقشر های مر فه و متو سط جا معه تعلق دارند وعمده تر ین وسیلهٔ پیشرفت آنها در بخشها وموسسات جامعه امکانات فراوان پولی و مالی ونفوذ فامیلها ی بزرگ ودارامیباشد، ولی بصورت مطلق نمیتوان همهٔ روشنفکران ومحصلان رادریك ردیف مشابه قرارداد، وبمثابه یك طبقه مشخص اجتماعی قبول کرد .

روشنفکران که امکان برخاستن ازطبقات مختلف، بالاخص درشرایط اجتماعی- اقتصادی کنونی کشور ما ازطبقات بالائی جامعه رادارانند، ،عده‌ئی از آنها در هنگام تحصیل وجوانی قشر اثر بخشی را درجامعه تشکیل میدهند، که میتوانند زمینه های علم وفرهنگ رادر جامعه گسترش دهند، از منافع خلقها وآزادیهای اجتما عی دلیرانه دفاع‌کنند ودرنتیجه به‌نیروی متحد وافزار کار طبقات زحمتکش و مترقی جامعه (کارگران – دهقا نان) تبدیل گردند ویا عکس آن.

شور جوانی ومصونیت نسبی، بخاطر تعلقیت عده زیادی از آنها به‌طبقات متنفذوحاکمه،شرایط مساعد کار ومبارزه بی‌پروا را در آنهاایجاد میکند، که‌بعداً درجریان خم و پیچ مبارزه‌وتشکل وتکامل‌طبقات‌اجتماعی وسا ختمان اقتصا دی وسیاسی، گروهی از آنهابه روشنفکران مترقی و مبارز تبدیل میشوند، تفکرمنطقی پیدا میکنند، متوجه قوانین تکامل طبیعت، جامعه وانسان میگردند،قدم بقدم بسوی توده ها رفته، و جدان انقلابی وآگاهی عمیق سیاسی‌و علمی وخصلت توده‌ای پیدا میکنند، وحتی به مثابه مدافعان صدیق‌وپیش‌آهنگان آگاه ووفادار طبقه کارگر ومتحدین آن تبدیل میشوند، ودر راه بسر رسا ندن آرمانهای طبقات ستمکش واستثمار شو نده جامعه کمر همت می بند ند .

عدهٔ دیگر آنها با اینکه اصلا به جنبشهای خلق علاقه پیدا نمیکنند وبابه افزار ستم وتسلط بر طبقات زحمتکش وفقیر جامعه در دست طبقات ستمگرومرتجع تبدیل میگردند ودر استخدام ماشین بیروکرا سی دولت های استثمار گر بورژ وا- ملاکی درآمده وبدین وسیله مو جب تشدید استثمار مردم میگردند. روی این مسأله نمیتوان همه روشنفکرا ن ومحصلان را مبا رز وآزادیخوا ه دانست وهمهٔ آنهارا پایگاه مطمئن نهضت به حساب آورد . ولی ا ین مسأله بدان معنی نیست که اثر بخشی وهمکا ری آنهارا در جنبش کم بها داد. ویا نقش آنها را ناچیز شمرد. واز کار ومبارزه در بین آنها صرف نظر کرد. باید د ر مورد روشنفکران‌برخورد واقعی‌ورئالیستی دا شت .

محصلان وروشنفکران در شرایط مبا رزات رهائی بخش کشور ها ی مستعمره ونیمه مستعمره وکشور-هائی که درراه تکمیل پروسه‌جنبش ملی‌ودموکراتیك قرار دارند، سهم بزرگ وشایسته خودرا درتکامل تاریخی واجتماعی ایفاء کرده‌ومیکنند (ص ۲)

## د افغانستان ملیونونه وګړی کور (مسکن) نلري

دا ښکاره خبره ده چه ټاټو بی (کور) دانسان له‌ژوند سره هراړخیز اونه شیدونکی تړون لری . خلك خپل ور ځنی ژوند په سلو کی ۵۰ تر ۶۰ پوری په کور کی تیر و ی او زموږ دښځو اکثر یت بیا په تیره بناری ښځی چه د کور نه د باندی دکار کولو له نعمت نه محرو می دی تقر یباً له ۸۵ تر ۹۵ په سلو کښي خپل عمر په«کور» کی خوری، ددی اصل پربنادی چه باید دانسان د فکری او جسمی ودی لپاره دطفو لیت له مر حلی نه دعمر تر پایه پوری ژوند په شرائط په«کور» کی آماده شی مگر له بده مرغه زموږ په هیواد کی دی مهمی چاری ته لکه دژوند نور شئونو هیڅ ډ ول توجه نده شوی . لا تر اوسه پوری زموږ د وطن ملیو نو نه وګړی په درو او و چو بیا بانو کی کږدی وهی او دوز غنو په کیږ دیو کی ژوند کوی . دوی پخپل وطن کی لا تر اوسه پوری د ژوند یو لپاره دسر سیوری او د مړو لپاره ټاټکی هدیره نلری . دوی شفا خانه ، ښو ونځی ، سینما ، سپورتی میدا نو نه او داجتما عی خد متو نو ابتدا یی مراکز هم پیژنی نه ، ځنی نور خلك لاتر اوسه پوری په سمڅو ، طبیعی غا رو نو او کوږ خوکی د تاریخ دلر غونوزمانو ژو ند کوی ، دا سی خلك لا په هیواد شته دی چه دسمڅو دننه خپل ماشومان دیخنی نه دساتلو لپاره دحیوا ناتو تر څو شیو لاندی پټوی او سخت درد ناك شرائط ګالی . هومره چه زموږ دهیواد انسان دټا ټوبی دښتونالی له کبله تحقیر شو یدی په ټړی کی دبل هیواد انسان‌هغه‌هم پداسی شرائطو کی‌چه زموږ په‌خیر بی‌دستر ومدنیتونومراحل تیر کړی‌وی دومره‌ندی‌ تحقیر شوی.

دهیواد د «کورو نو» له وضعیت نه دا ښکا ریږی چه په ښار ونو او کلیو کی په سلو کی له ۹۵ زیات کو رونه لـه خټو نه چه تـل د واو رو ، بارا نونو او سیلا وو نو ترخطر لاندی وی جوړ شو یدی . دا خبره واضح ده چه دا آفتو نه‌او بلا وی د قدرت او شتمنی په خا وندا نو باندی چه دمانیو خاوندان دی نه راځی .

دا بی وزلی‌او بی پناه خلك دی چه ددوی خام او خټین کو رو نه ددی (۳مخ)

## اعتصاب و تظاهرات کارگران انتقال گاز درشبرغان

خبریال پرچم از شبرغان ، مرکز ولایت جوز جان اطلاع میدهد که کارگران انتقال گاز بتاریخ ۲۸ جوزا دست به اعتصاب زدند واز محل کار تا شبرغان ۳۶ کیلو متر فاصله را در گرمای طاقت فرسا راهپیمائی کردند .

کارگران تفحصات پترو ل باهمراهی عده‌ئی از اهالی شبرغان تا ۳ کیلو متری شهر به استقبال کارگران انتقال گاز شتافتند وباین شعارها از ایشان استقبال کردند : «مرده باد ارتجاع ، زنده باد کارگران، زنده باد دهقانان، زنده‌باد اتحاد وهمبستگی، زنده‌بادافغانستان وطن محبوب ما». کارگران درتاریکی شب به شهرداخل شدند .

فردای آن (۲۹ جوزا) کارگران میتنگی درشهر تشکیل دادند. والی جوزجان که باعده‌ئی از مامورین‌آنجا درین‌اجتماع‌حاضرشده‌بود، نتوانست کارگران را به خاتمه دادن اعتصاب وادار سازد. کارگران فریاد میزدند: «ما ماجراجونیستیم،ماحد اقل‌وسایل زندگی میخواهیم. نان نداریم، لباس نداریم وحقوق مارا میخورند».

این اجتماع بعد ازظهر روزمذکور به تظاهرات خیابانی تبد یل شد وتاشامگاه همان روز ادامه داشت.

قبل از ظهر روز بعد (۳۰ جوزا) دو باره میتنگ بـا حرارتی در پارك شبرغان تشکیل گردید که درجریان آن عده ئی ا ز مامورین مربوط با کار گران داخل مفا همه شدند ویاد داشتی مبنی براینکه دراسرع اوقات مطالبات قانونی شانرابرآورده می‌سازند، بکارگران تسلیم دادند.

برخی ازمطالبات کارگران انتقال گاز قرار آتی است :

– در معاش کار گران بادرنظر گرفتن تأمین حداقل وسایل زندگی افزودی بعمل آید.
– وسایل حمل نقل برای کارگران تهیه شود .
– رخصتی‌های بعدازظهر روزهای پنجشنبه و سا لا نه هفتاد روز رخصتی های قانونی منظور گردد .
– برای کارگران‌متاهل وفامیل‌دار مسکن ومحل رهایش تهیه گردد .
– کارگرانیکه از مکلفیت قانونی خود بیشتر کار میکنند ، معاش اضافه کاری شان اجرا شود .
– باید پیش آمد آمران دربرابر کارگران قانونی وعادلانه باشد .
– بیمه صحی تأمین گردد . (ص۳)

**دامپریالستی مداخله‌کوونکو اودخارجی ماجراجویانو اوفتنه اچوونکو لاس دی زموږ دهیواد په داخلی چارواو ملی آزادی بخښونکی نهضت کی لنډ وی!**

---


# پرچم

د افغانستان د خلک د موکراتیکو افکارو خپرونکی

۱۰ سرطان ۱۳۴۷


## درجهان سیاست

### تبصره مجله نیوتایمز ماسکو راجع به مناسبات دو ستانه افغانستان واتحاد شوروی

مجله هفته وار نیوتایمز شوروی‌درشماره ۲۴ خویش راجع به علایق دو ستانه بین افغانستان و شوروی‌می‌نویسد : « انکشاف مناسبات دوستانه باکشور های شرق میانه‌واقع درسرحدات جنوبی ما یکی از خطوط مهم سیا ست خار جی اتحادشوروی بوده ومیباشد.دپلوماسی شوروی همیشه کوشیده است تاآنرا بمنطقه صلح و همکاری بین‌المللی تبدیل نماید که نتایج‌آن همین‌اکنون بمشاهده میر سد . همسایه های جنوبی ما بشمول آنها ئیکه متعلق به آن دسته بند یـهای نظامـی ای میباشند که از طرف غربی ها اداره می‌شوند هرچه بیشتر راه همکاری بااتحاد شوروی را درپیش میگیرند و میـراث جنگ سرد را از بـین برمیدارند . کـه این به نـوبه خود بر خـلاف بسیاری ازدیگر حصص جهان دربو جود آوردن فضای‌مساعد سیاسی دراین منطقه کمك می‌نماید. این پر و سه (جریان) ایستکه افغانستان درآن سهم خاص داشته است. برای‌اینکه‌روابط حسن‌همجواری بین کـابل وماسکو از مد ت زیاد یك عـامل ثـابت در صحنه متغیر شرق میانه بوده است. درعین زمان ایـن منا سبات در حال انکشاف وپیشرفت میباشد کـه مسافرت‌های رسمی رؤسای دول و زمامداران هـر دو کـشور نشان دهـنده آن میباشد ...

اتحاد شوروی دردوپلان پنجساله افغانستان‌کمك نمود. موافقت نامه‌ئی دراین اواخر راجع بـه همکاری پلان پنج ساله سوم بامضاء رسید ...

همکاری ما بـر تهداب همز یستی مسالمت آمیز استوار است. اختلاف سیستم اجتماعی و سیاسی مـانع همکاری نیست،مداخله درامورداخلی یکد یگر وجود نـدارد ، مناسبات براساس اعتماد و احترام متقابل برقرار میباشد .

گـر چه اتحاد شوروی بزرگترین پارتنر اقتصادی افغانستان است‌ولی این به هیچوجه مانع آن نیست که افغانستان تماسهای مفیدی بادیگر کشورها بر قرارنما ید، روزنامه‌ئی چون نیویارك تایمز نیز در شماره ۴جون اعتراف می نماید. اعتراف روز نامه امریکائی در روشنی روش اضلاع متحده در برا بر کشورهای عقب ما نده همجوار آن اهمیت زیاد دارد .

استثمار اقتصادی وفشار سیاسی امریکا بر همسایه هـای جنوبی آن درحقیقت با مناسبات اتحاد شوروی باافغانستان کـه درراه پیشرفت آن واقعاً کمك می‌نماید، مغایرت دارد، اتحاد شوروی تقویه روابط دوستانه را کمك مهمی در راه دوام صلح می پندارد...»

* * *

**دراروپا:**

**درفرانسه** : درشروع مرحله اول انتخابات موج‌ترورسر تاسرفرانسه‌را فرا گرفت. چهار نفر در پاریس، هفت نفر در بوردو ونـه نفر دیگر در نـقاط مختلف آن کشور ذریعـه مو سسهٔ ترو رستی (او. آی. اس) به قتل رسیده است. درسه نقطه پاریس بمها منـفجر شد. عناصر متر قی فرانسه‌میگویند: «وقتیکه‌طبقهٔ کارگر برای بهتر شدن زندگی خود مبارزه میکنند فـوراً آ ن آزادی و دموکراسی بورژوایـی کـه ازآن دم میزنند تعطیل می‌شود.»

روز نامهٔ اومانیته می نویسد : «اکنون فرانسه درسر دوراهی‌است، دیکتاتوری نظامی فرانسه را تـهدید میکند ، مردم فرانسه بـاید بـایـن دکتاتوری فردی خا تمه بدهند .»

نتایج مرحلهٔ اول انتخابات‌فرانسه معلوم شد ، دوگولیستها وجمهوری خواهان مستقل روبهمرفته ۳ ملیون وششصد هزار رأی بدست آوردند که ۴۲٫۶۵ فیصد آراء میشود. نظر بانتخابات گذشته تعداد آراء ایشان یك ملیون ودوصد هزار بیشتراست. دوگولیستها توانستند۴۲ نفرنماینده درمرحلهٔ اول انتخابات به مجلس بفرستند .

حزب کمونیست فرانسه بیش از ۲۰ فیصد آراء را بد ست آورد و ۶ نماینده بمجلس فرستاد . درانتخابات گذشته این حزب۲۲فیصد آراء را بدست آورده بود .

فدراسیون متران ۳۵۰ هزاررأی که ۱۶ فیصد آراء می‌شود بد ست آورد و مـوفق بفرستادن نماینده بمجلس نشدونظربگذشته ۵۵۰هزار رأی را ازدست داد. حزب‌دموکراتیك مرکزی ۲ ملیون رأی بدست آوردکه ۱۰ فیصد آراء میشود و ۵۷۰ هزار رأی ازدست داد .

حزب سوسیالست‌متحد ۸۰۰هزار رأی بـدست آورد . در یـن حـزب افراطیهای چپ جمع شده اند. دیگر نیرو ها نتـوانستند آراء مـردم را بدست آرند. باید یاد آور شد کـه صحنه سازیهای انتخابات بر ضد حزب کمونیست فرانسه بعمل آمده ولی بازهم حزب‌کمونیست بزرگترین حزب چپ بشمار میرود .

روز نا مهٔ «لوموند» علت پیروزی دوگولیستها را چنین می نویسد : «بورژوازی فرانسه ، فـاشیستـها، انارشیستها ، گروههای تروریست (او. آی. اس) وغیره‌به‌دوگولیستها رأی دادند» . دوگولیستها با قدرت تبلیغاتی خود مرتجعترین عناصر را بطرف خود جلب کردند .

والدك روشه زعیم حزب‌کمونیست فرانسه دریکی از سخنرانی های‌خود گفت : « گروههای افراطی چپ با اخلال گر یهای خود مـوقع را بطرفداران دوگول دادند. یك ملیون ازمردم‌فرانسه‌نسبت این‌اخلال‌گریها رأی خودرا بطرفداران دوگول‌دادند.» اوگفت:«بدون‌شك حزب‌سوسیالست متحده، باعث شکست نیرو های چپ درانتخابات شد. شایسته است که ارتجاع فرانسه از رهبران احـزاب سوسیا لیست متحده اظهار تشکر کند.» روزنامه اومانیته می نویسد: «برای ثبت تـاریخ بـاید نوشت کـه چه کسانی باعث جدال بـا پولیس شدند، چه کسانی‌شعارهای قهرآمیز دادند وهرماشینیکه آتش زده شد هزاران رأی نیرو های چپ را کـم ساخت»،روزنامه ازنقش‌فرانسوامتران یاد آوری می‌کند ووجود اورا باعث شکست میداند ، روز نامه علاوه می‌کند: «در زمانیکه حزب کمونست بـرای پیروزی فر ا نسوا متـران در انتخابات ریاست جمهوری مبارزه میکرد اوباجنرال دوگول داخل‌مفاهمهٔ سیاسی شد وسپس با دوگولیستها سازش کرد وبعداً از پیمان نـا تـو طرفداری نمود و چون ناتوان گردید روبه جانب کمونست ها آوردوطالب کمك شد .

درمرحلهٔ اول انتخابات هیچ یـك از طرفداران او مانند « گی مو لی» ومندس فرانس انتخاب نشدند، اگر درمرحلهٔ دوم حزب کمونست از او پشتیبانی نکند هرگز به پارلمان راه نخواهدیافت. در۱۰۳حوزهٔ انتخاباتی کـاندید هـا ی فدرا سیون چـپ سوسیا لست دموکراتیك به نفـع کاندید های حزب کمونست خود را کنار کشید نـد و در مقابـل حزب کمونست کاندید های دو گو لیست وجود دارد ودر ۱۱۰ حوزهٔ انتخاباتی کاندید های حزب کمونست خود را کنار کشیدند تاتنها کاندید های‌چپ سوسیالست مقابل طرفداران‌دوگول مقابله کنند. طرفداران دوگول هـم همین کار را کرده اند .

والدك روشه زعیم حزب کمونست فرانسه طی بیانیه ایکه از رادیـو پخش شد گفت : «باید زحمتکشان فرانسه در مرحلهٔ دوم انتخابـات به کاندید های چپ رأی بدهند. وی تاکید کردکه خطردکتاتوری‌ودستبرد بحقوق زحمتکشان فرانسه را تـهدید میکند .»

روشه علاوه نمود که فرکسیون حزب کـمونست در پارلمان جدید همچنان باشجاعت از حقوق کارگران وزحمتکشان پشتیبانی خواهد کرد .

**مسکو** : روز نامهٔ پراودا درشمارهٔ ۲۳ جون خود در مورد تدابیریـکه جمهوریت دموکراتیك المان شر قی در مورد رفت وآمد بین المان غربی و برلین غربی گرفته مینوسد: «این تدابیر بربایهٔ پرنسیب های حقوق بین دول استوار است.» روز نامه می‌افزاید: «درحالیکه المان غربی مشغول تصو یب قوانین فوق‌العاده میباشد ونیونازیزم را مجددا احیا می‌کند ، اقدام جمهوری دموکراتیك المان شرقی کاملا بجاست .

**مسکو** : وزیرخارجهٔ اتحادشوروی گفت : شوروی حـاضر است خلع سلاح را انجام دهد. وی از سیاست ماجراجویانهٔ امریکا در ویتنام انتقاد نموده گفت: مابخلق قهرمان ویتنام کمك خواهیم کرد.وی ضمن‌پشتیبانی ازموقف المان شرقی‌اظهار داشت‌که: شوروی از امنیت اروپابه شدت‌دفاع خواهد کرد .

**درامریکا :**

**واشنگتن** : بـر خـورد شدیدبین پولیس‌وشرکت کنندگان «راه‌پیمایی-فقر» روی دادکه دراثر آن تعدادزیاد مرد، زن‌وکودك زخمی شدندویکجوان سیاهپوست بقتل رسید .

پولیس امریکا بایك حملهٔ شد ید بخیمه های مارش کنندگان فقرداخل شدند وباانفجار صدها بم اشك آور تلفات زیادی وارد نمودند .

**در آسیا :**

**هـانوی** : روز نامهٔ نـان دان (ویتنام شمالی) می‌نویسد که امریکا عملامقررات سـال ۱۹۵۴ ژ نیو را زیر پا کرده است ، ازآنرو اعلان میکنیم که تاآخرین رمق برای‌پیروزی واخراج امریکائیان ازوطن خودمبارزه خواهیم کرد .

رادیو هانوی اعلان کـرد کـه سه عدد طیارهٔ امریکایی در فضای ویتنام شما لی بتاریخ ۷ سرطان سقوط داده شد وبا‌ینصورت مجموع طیارات امریکایی کـه بر فضای ویتنام شمالی سقوط داده شده اند به ۳۰۰۳ عدد طیاره بالغ گردید .

**سیگون** : فعلا درویتنام جنوبی ۵۳۳ هزار عسکرامریکایی و۶۳هزار عسکر متحدین آن باوطنپرستان‌داخل جنگ میباشند وتا آخر سال تعداد عساکر امریکایی به ۸۰۰ هزار نـفر بالغ خواهد شد .

## اعتصاب چهل ویك روزهٔ شاگردان ښوونځی میخانیکی

کابل موفقانه بانجام رسید

طلا ب مکتب میخا نیکی کـابل در او ا سط مـاه ثـور مطا لبـا ت وخواستهایی را باداره ښوونځی‌خود و بالوسیله بوزارت معارف سپردند وتقاضا کردند که بخواستهای‌ایشان جـواب قنا عـت بخش داده شود ، متأسفانه نسبت برخورد ناسالم‌وغلط ادارهٔ ښوونځی، شاگردان‌مجبورشدند چهل‌ویکروز دراعتصاب بسر ببرند. اعتصاب مخصوصا هنگا می طولانی شد که مـدیر ښوونځی در بـرابر استیضاح شاگردان‌باعده‌ئی‌ازاعضای تدریسی، گروپی از شاگردانرا مورد حمله قرار داد و بـالا تـر چند تن ازشاگردان شدیدا مجروح شدند.

مقامات صلاحیتدار معارف بجای‌اینکه جوانانرا در بر اورده شدن آر مانهای مشروع، قانونی وسادهٔ ایشان کمك نمایند، به شیوه استبدادی بحمایت ماموران اداری و معلمان متجاوز پرداختند ، یعنی بشاگردان موقع ندادند کـه بـا صطلاح چشم سفید شوند. از ینرو اعتصاب راه طولانی ودشواری را دربرابر شاگردان این ښوونځی، که اکثریت شان بطبقات زحمتکش ومحروم‌جامعه‌ارتباط دارند، قرار داد .

گفته میشود دراثر مفاهمه هـای اخیروقبول‌شدن قسمتی‌ازخواستهای شاگـردان اعتصا ب ۴۱ روزهٔ طلاب ښوونځی میخانیکی کابل‌بپایان‌رسید.

درصورت واقعیت‌امرمااین پیروزی راکه راه دشواری را پیموده است، بشاگردان میخا نیکی کابل تبریـك میگوییم .

عمده تر یـن خواستها ی صنفی شاگردان میخانیکی قرار آتی بود :

۱– چا نس شمول پـو هنتون میخواهیم .
۲– شهادتنامهٔ ماکه معادل‌بکلوریا قبول شده است، بشهادتنامهٔ مسلکی عوض شود .
۳– درشمول‌بصنف‌دهم ښوونځی شرط کانکور را برطرف سازید .
۴– صنف هفتم ښوونځی‌میخانیکی دوسال مکمل دوام میکند ، باید دریکسال بسر برسد .
۵– حاضری درسی ما طبق سائر ښوونځی‌ها ازساعت ۸ قبل از ظهر شروع وساعت یك بعد ازظهر تمام شود .

## اعتصاب محصلان دارالمعلمین عالی ادامه دارد

اعتصاب محصلان دار المعلمین‌عالی تـاهنوز ادامه دارد . تـاکنون‌کدام جواب مثبت یـامنفی از طرف مقامات مربوط به آن داده‌نشده‌است.

محصلان دارالمعلمین عالی، ضمن‌دفـاع از معارف متـوازن از وزارت‌معارف تقا ضا نمودند ، نظربه‌اینکه اکثر محصلان دار المعلمین عـالـی‌از ولایات کشور مـی‌آیند و چانس‌تحصیلات عالی کمتر دارند ، بـایـد دارالمعلمین عالی به پوهنځی معلمان‌ارتقا یابد وپروگرام‌آن مطابق‌بروحیه‌عصر وایجابات ونیازمندیهای مردم کشور اصـلاح گـردد .

(از ص۲)

## نهضت محصلان افغانستان ...

بر خورد هـای شخصـی وصنفی خورده گیر ویابی اعتنا وبی ملاحظه بوده بایکدیگر بغرور وخود فروشی پرداخته به کفتگوها وجروبحث‌های طولانی وبی‌نتیجه که منجربه کوبیدن یکدیگر وبرافروختگی وعصبا نیت‌ها میشود، میپردازند. عدم پا بندی، تنبلی وبی‌علاقگی عده ئی از آنها در فرا گرفتن دروس بهانه های‌تعرض، تبلیغ وانتقاد رابه سازمان هـای ارتجاعی میدهد . باحفظ این مسأله کـه سیستم درسی استعماری و ارتجاعی کهنه وفاسد افغانستان در جای‌خود قابل بحث است . مبتنی برحقایق فوق‌ودرس گرفتن ازاشتباهات، محصلین وروشنفکران وطن‌پرست افغانستان دربرابر ایـن مسؤولیت سنگین قرار گرفته‌اندکه بعد از سالهای طو لانی تجربه، ... سا لـهـا ی شکست ... پیروزی های کم‌دوام ،سر بلندکنند وبه حقایق جامعه وافق تکامل جهانی ووطن خود بنگرند. درزمینه های کار روشنفکری ومحصلی‌امکانات وتدارك اتحاد وسیع محصلان رادر پرتو مرام واصولی کـه منا فـع صنفی و اجتماعی اکثریت محصلین را منعکس سازند بوجودآورند، وبه‌تشکیل‌اتحادیه محصلان وسازمان های دمو کراتیك جوانان که ارگان رهبری آنها در جنبش گردد دست بزنند . به فضای دوری وجدائی ، شتـاب زدگی و خودستا ئی، غرورو‌آرایش‌روشنفکری فائق‌آمده‌دربرخوردها تأمل‌وشکیب، صمیمیت وتفکر منطقی را جایگـزین سازند، اخلاق مترقی ووفا داری به مصالح و منافع عالی خلـق ونهضت را سر لوحهٔ زندگی خود قرار دهند، باارائه صحیح حقایق عینی به‌قناعت یکدیگر بپردازند، به‌اختلا فات‌فکری وسیاسی خود در میان نهضت راه ندهند ودر عمل اصولیت و صحت ایده های خودرا ثابت کنند، کارهای سیاسی وصنفی رادر هر وقت‌مخلوط ننما یند ، روابط رفیقانه وصمیمانه‌و اتحاد مستحکم را در بیـن محصلان گوشه های مختلف کشوروخودایجاد کنند ، باروش صحیح خود بکوشند تاعده بازهم بیشتـر روشنفکران و محصلان را به جنبش ومبارزه دعوت کنند آنهارا ازحالت پسیـف ودر ك نازل به‌عناصر آگاه وزنده‌جامعه‌درراه خدمت پرشور زحمتکشان ورنجبران تبدیل کنند.

آغاز کار وعمده ترین سلاح‌مبارزه ووظیفه اساسی دراین مرحله جنبش محصلان تشکیل **سازمان اتحادیه محصلان‌است.** که‌محصلان‌رادرمبارزه ضد امپریالیسم وضد ارتجاع و برآوردن خواستهای‌صنفی واجتماعی یاری ورستگاری‌می بخشد. تمام‌نیرو وانرژی مبارزه در این مرحله جنبش محصلی باید براساس اصول واخلاق مترقی به‌سوی‌ایجاد سازمان‌وتشکیل اتحادیه محصلان معطوف گـردد.واز اینراه است که محصلان میتوانند بکادر های آگاه ووطن پرست آینده وطن تبدیل گردیده ونقش اساسی‌و ثمر بخش خودرا در جنبش مـلی و دمو کرا تیك افغانستان بجاگذارند. روشنفکران ومحصلان میتـوا نند ، روشنی صبح پیکاررادرقلوب افسرده وطنداران ، در جلو دیدگـان شان بر ا فرو زند ، قهر مان با شند و سرنوشت خودرا با سر نو شت ترقی، علم‌وصلح، باسرنوشت‌فرهنگ شگوفان آینده توده‌ها ، باسرنوشت طبقات پیش آهنگ وآفریننده تاریخ (کارگران‌ودهقانان) پیوند دهند، مشروط بآن که بآرمان‌های خلق وفاداربا شند به‌تشکیل ومبارزه بی امان بپردازند، به‌افزار کار توده ها بدل و به تکامل جریان نوین تاریخ همکار و همره گردند.

محمود بریالی

## دفاع از دهقانان مظلوم درولایت

فاریاب

بتاریخ ۲۶ جوزا شاگردان لیسهٔ ابوعبید فاریابی درمیمنه از سا عت ۹٫۳۰ تا ۱۰٫۳۰ بعدازظهر دست بمظاهره‌زدند. شاگردان این مظاهره‌رابخاطر حمایت سه تن ازدهقانان‌شیرین‌تگاب که ازطرف فیودالان محلی لت وکوب وباآتش‌داغ‌شده‌بودند، ایجاد کردند. جمعیت شاگردان هنگا م مظاهره همراهی وحمایت سائرطبقات‌واقشار‌محروم مردم وگروه منورین راکمایی کردند هزاران تن‌از اها لی فاریاب که‌درین مظا هره اشتراك داشتند، شعار های شاگردانرا تأیید و تکرار میکردند. شاگردان در طول مظاهره بریاست محاکم وولایت فاریاب‌رفتندواز‌مستو فی آنجادرمورد داغ شدن دهقانان بی‌دفاع استیضاح کردند .قرار معلوم مستوفی بشاگردان وعده داده است کـه درظرف چهار روز نتیجهٔ قضیه را بعامه ابلاغ خواهد کرد. تظاهر کنندگان اخطارداده‌اند که‌درصورت حق تلفی واهمال حکومت، آنان از مرکز فاریاب تامحل واقعـه درشیرین‌تگاب‌راهپیمائی‌خواهندکرد. اطلاع میرساند که شاگردان‌هنگام تظاهر ، جملاتـی را ازفصل حقوق و آزادیهای مردم در قانون اساسی‌روی لوحه ها نوشته وباخود حمل میکردند. قرارمعلوم مظاهره‌شاگردان‌لیسهٔ ابو عبید ومردم آنجا درغایت نظم ا جراشد و کاملا قا نو نـی‌ووطنپر ستانه بود .

واقعه ایکه سبب مظاهره‌شاگردان‌شده است چنین راپـور داده شده است: پسران ایوب تگابی قلعه ایرادرشیر ین تگاب میمنه بنا نموده وبرای اعمار آن ۱۸ تن از دهقانان‌محلی آنجا را استخدام کرده بود. دهقانان تهی دست بعد ازچندی‌طلب‌اجرت کردند ولی‌قلعه داران‌به‌بهانه‌های مختلفی از دادن‌اجرت شانه‌خالی‌میکردند، هنگامیکه دهقانان بر حق خود اصرار کردند. پسران متنفـذمحلی‌بحیلهٔ مفقودشدن یکقاب ساعت دستی ۱۸ نفر مزدوران خودرا متهم‌ساختندوآنانرا تحت تهدید گرفتند. مزدوران راه فرار گـرفتند و تنهـا سه نفر ایشان (یخشی ولد منگلی– عبدالغفور ولد عبدالرحمن – محمدقل ولد بولداش) را اسیر وتحت شکنجه قرار دادند. این شکنجه که بسیار ظالمانـه بـوده شامل لت و کـوب وداغ کردن توسط سیخها می‌باشد. یکی از ظالمانه ترین‌نوع قدرت‌نمایی متنفذین محلی وطبقات ستمگرحاکمه است.

گفته می شود کـه عبدالغفور و محمدقل ازدوائر و ساطت ماموران محلی حکومت وگرفتن یك مشت‌پول ابراء مجانی داده اند و لـی یخشی پسر منگلی مقاومت نمود و تسلیم نشد. هنگـامیکه شکایت و عرائض یخشی نتائج مطلوب نداد وبی اثر ماند، پدروی (منگلی) جهت‌جمع‌آوری اعانه به لیسه ابوعبید مراجعه کرد وشاگردان که فردای آن بـرای وی اعانه جمع آوری کرده بودند، دیگر او و فرزندش را نیافتند و بصورت ناگهانی از شهر ناپدید شده بودند. شاگردان تصمیم گرفتند که پول جمع آوری شده راتوسط نمایندگان خود بشیریـن تـگاب انتقا ل داده وبفامیل منگلی بسپارند .

شاگردان دراخیر قطعنامهٔ ذیل را تصویب واعلام کردند :

۱– درمورد قضیه تحقیق درست واساسی صورت گیرد .
۲– بحمایت مظلوم و فامیل او پرداخته شود .
۳– جهت وارسی بقضیه‌یك‌هیأت منظم، قـانون دان و صادق تعیین گردد .
۴– زجر و شکنجهٔ مظلوم ممنوع قرار داده شود .
۵– بجنا یتکاران جـزای شدید داده شود .
۶– ازخودسریهاواعمال‌غیرقانونی حکام ومامورین جلوگیری شود .
۷– حقوق مظلو مـان برای شان مسترد گردد .
۸– روشهای‌ضدقانونی‌وضدانسانی که دربرابر سوختگان صورت گرفته است محکوم شود .
۹– فیصلهٔ شرعی وقانونی‌درمورد صورت بگیردونتیجهٔ آن‌به اطلاع‌عامه رسانیده شود .

**پرچم** : یکبار دیگر تجاوز ملاکان فیودال را برخلق کارگر افغانستان جداً محکوم نموده‌وحمایت کامل‌خودرا از دهقانان ستمکـش کشور اعـلام میدارد وخواستاراست تاهرچه‌زودتر این ستمگران بجزای سنگین‌برسند.

تلخیص و ترجمه : م.ا.خیبر

-٦-

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

# جنبش آزادیبخش ملی وراه رشد غیرسرمایه داری

-۲-

امروز اقتصادسرمایه داری جهانی مانندپنجاه سال قبل ازدو نوع اقتصاد مر کب است، اقتصاد مشتی از دولتهای ستمگرامپریالیستی پیشرفته صنعتی واقتصاد دولتهای روبه انکشاف که تحت ستم امپریا لیزم قرا ر دا رند ودر ما هیت یك اقتصاد استعمار یست . انقلابهای سیاسی قاعدتاً بنیاد اقتصاد سرمایه دار ی جهانی را از بین نبرده است . تاز ما نیکه دو لت های جوان به وابستگی اقتصادی خود به امپریالیزم پایان ندهند ، نقش «دهکده جهانی» را بازی نموده ومورد استثمار نیمه استعماری خواهند بود.

امپر یالیزم علی رغم تیو ریهای جدیدیکه عرضه میدارد، درعمل بطور دوامدار شرایطی راغرض استثما ر وتحت ستم قرار دادن کشور های کم رشد بوجود می آورد که نه تنها اختلاف موجود درسویه های ر شد اقتصادی این کشور ها وکشورهای پیشرفته را حفظ می نماید، بلکه آنرا تعمیق نیز میکند. ازلحاظ مناسبات ملی درنظر داشتن ا ین مسأ له حایز اهمیت است که انحصارات خارجی در کشور های روبه انکشاف موسسات مهم صنعتی، بانکها وخطوط حمل ونقل رادردست دارند ودر بسیاری ازین کشور ها تجارت خارجی ودیگر مواضع اساسی اقتصاد راکنترول می نمایند، بدینمعنی که گروه محدودی ازانحصا رات بزرگ امپریالیستی ثروتهای یکصد دولت رادر قبضه خود درآورده اند.

ستم استعماری مسؤول بی نظمی درترکیب طبقاتی کشور های مختلف میباشد. بااینصورت در کشور های افریقائی واقع در جنوب صحرامانع رنگ(موضوع نژادی) بیك مانع اجتماعی تبدیل گردیده است. وحتی قاعدتا تجارت خورده فروشی را کسانی اداره میکردند که از نسل خارجی( فرانسوی، پرتگالی، یونانی وغیره) بودند .

این عدم تساوی درمواضع اجتماعی، انحصار تعلیم وتربیه وتجهیزا ت صنعتی دردست نیروهای غربی، چه درسابق وچه در حال، حیثیت کا ن طلارا برای استعمار گران کهنه ونو داشته است .

این وضعیت موجب تأمین سود فراوان برای یك اقلیت محدودوباعث فقروبدبختی ملیونها نفر میگردد وبه تمام تلاش هائیکه در راه تغییر ا ین وضعیت صورت می گیرد فورا چاپ «الهام کمونستی» زده می شود .

باید به ملت های نو به استقلال رسیده اجازه داده شود تا منابع شانرا خود بکار اندازند (سا زمان ملل متحد نیز حداقل درنظر باین حق معترف است) ولی درجهان سرمایه داری بین عمل ونظر فاصله عظیمی وجود دارد. وظیفه مبارزه حاد ملی وطبقاتی دراین کشور ها اینست که این فاصله بزرگ راپر نماید. این نخستین محرك انقلابهای ضد استعماری، درمرحله جدید انکشاف انقلابهای مذکور نیز عمل میکند و آنهارا بسوی آزادی از ستم اقتصادی خارجی سوق میدهد که قاعدتاً رژیم های استعماری سابق آنرا برقرار ساخته است وبحیث یك میراث استعماری برای حکومت های جدید ملی باقیمانده است. این آزادی در شرایط پیچیدهٔ پر ازانفجارات وتصادمات آنی عملی میگردد(حادثه آبادان، بحران کانال سویز، واقعات برازیل وغیره) ولی، موضوع را یکطرفه نمی نماید .

در جهان امروزی اختلافات زیادی بمشاهده میرسد . انکشاف سریع صنایع جدید، نیروی برق ، کمیا، فز یك هسته وی و علوم طبیعی وبالعموم تکنالوژی یك انقلاب تخنیکی را ایجاد کرده است. ولی امپریالیزم ثروتی راکه مخلوق کار است برباد می دهد. قرار محاسبه ئی که بعمل آمده، هرگاه مسابقه تسلیحاتی ای که امپریالیزم آنرا آغاز نهاده متوقف گردد وتنها یك بر پنجم حصه پول پس اندازشده ازخلع سلاح، به کشورهای عقب مانده پرداخته شود، کشورهای مذکور خواهند توانست د ر ظرف ۲۰ تا ۲۵ سال بسویه فعلی فرانسه وبرتانیه برسند وازطرف دیگرمناطق پهنا ور جهان هنو ز د رچنگال عقب ماندگی ، فقر وجهالت بسر می برند .

افزار عمدهٔ زراعتی دهقا ن افریقائی را تاکنون بیل، قلبه چوبی وچوکه تشکیل میدهد. تضاد بزرگ بین نیرو های مولدهٔ جدید بدرجه عالی انکشا ف یافته و اقتصاد عقب ما ندهٔ استعماری اکثر یت کشورهائی که ازطرف سرمایه بزرگ کنترو ل میشود ، محرکیست که اکثریت خلقهای جهان را به اقدام وامی دارد .

کشور هائی که از ستم سیاسی استعمار آزاد شده اند ، اکنون بامسایل مشکلی رو برو میباشند. این کشور ها باید از خود حیات اقتصادی داشته باشند، برای مردم خود کار پیدا نمایند، سویه نیروهای مولده عقب مانده شان را بلندببرند، یعنی با ید رنسانس (تجدید حیات) ملی را بوجود آورند. همه نیرو های وطن پر ستیکه در راه استقلال ملی مبارزه میکردند، حل این مسایل را شعار خود قرار داده بودند. ولی برای دولتهای روبه انکشافیکه تولید سرانه سالانه آنها ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ فیصد پایان تر ازکشورهای انکشاف یافته سرمایه داری میباشد، چگونه ممکن خواهد بودکه بسویه کشورهای پیشر فته سر مایه داری برسند ؟ در عده ئی از کشور ها از قبیل اندونیزیا، سیلون، پاکستان،مراکش تولید سرانه زراعتی و قسماً حتی تولید سرانه صنعتی به سویه زمان تسلط استعمار با قی مانده است. برای اینکه حد اقل ترقی نصیب شان گردد، تلاشهای قهر مانانه ئی را از جانب ملت ها ی مستقل ایجاب می نماید. طوریکه در مورد الجزایر و سیلون دیده می شود نیرو های امپریالستی سعی می ورزندکه سویه زندگی مردم را دراین کشورها پائین آورند، تابابنصورت انقلابها راازنظر اقتصادی بی اعتبار سازند. نیروهای وطن پر ستیکه واقعاً به انکشاف کشور شان علاقه دارند، بیش ازبیش معتقد شده میروند، اکنون که تهداب گذاشته شد نباید کار ساختمان در نیمه راه توقف نماید. و بنابران باید د ر یك راه جدید رشد غیر سرمایه داری به پیش بروند .

(باقیدارد)

از(ص اول)

# دربارهٔ مسأله دهقانی

توده های ز حمتکش دهقانان درکل بطور عموم عبارتند ازاکثریت عظیم دهقانان بی بضاعت وکم زمین، دهقانان فقیر ، مزدوران زراعتی وپیشه وران ده .

بدینترتیب اکثریت عظیم دهقانان بی بضاعت همراه با دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی اکثریت قاطع توده های روستائی را تشکیل میدهند که مسأله دهقانی بطور کلی مسأله این توده های بزرگ درکشوراست. حجم بینهایت ناچیزوکمی محصولات زراعتی مبین وضع فلاکتبار اقتصادی و اجتماعی دهقانان بی بضاعت، دهقانان فقیر ، مزدوران کشاورزی وپیشه وران ده و شاگردان آنها میباشد .

دهقانان بی بضاعت درافغانستان دارای زمین بسیارکم میباشند که خود و تمام اعضای خانواده آنها (زنان واطفال وپیر مردان) بالای آن به شدت کار میکنند، ولی باوصف آن حد اقل زندگی بخور ونمیر آنهارا تأمین کرده نمیتواند . بهمین جهت این طبقهٔ دهقان غالباً بحیث دهقان کشتمند واجاره دار،زمینهای ملاکین را با شرایط سنگین واسارت آور به دهقانی ، کشتمندی وبه اجاره میگیرند. معهذا از آنجائیکه درهنگام محصول زمین قسمت اعظم آن از طرف مالك زمین تصرف میگردد، لذا برای تأمین زندگی حد اقل دهقانان بی بضاعت (کم زمین) تافصل جدید کفایت نمیکند . چون افغانستان تاکنون ازلحاظ صنایع عقب مانده است وتاکنون صنعت به آن پیمانه رشد نکرده که دهقانان بی بضاعت وکم زمین که پیو ستة برای تأمین حد اقل معیشت خو د د ر جستجو ی کار دائمی استند به شهرها ومناطق صنعتی رجوع کنند. لذا در یکزمان کوتاه این بخش دهقانان دراثر شرایط ناگوار زندگی وگرانی سرسام آور قیمتها باتنزیل زیاد (سود فاحش) پول وجنس قرض میکنند ودرنتیجه مجبور میشوند که همان یك قطعه زمین کوچك خود را به ملاکین و سود خواران ده بفروش رسانند وخود درزمره دهقانان فقیر ویامزدوران زراعتی ویا دراردوی بزرگ بیکاران درآیند، مسلماً این بخش ازدهقانان دارای زندگی سخت ودشواری اند . بخش دیگرازدهقانان که فوق العاده فقیر اند کاملا فاقد زمین بوده وبحیث دهقانان کشتمند واجاره دار مالکین کار میکنند. زندگی دهقانان فقیر نسبت به دهقانان بی بضاعت بدتر است ودرعوض کار سالیانه نیم ویا حتی کمتر ازنیم مایحتاج خودراتامین کرده نمیتوانند. این بخش ازدهقانان به شد ید ترین نوع توسط مالکین استثمار میشوند ومورد ستم بیرحمانه قرار دارند. قسمتی از ین بخش د هقانان دارای و سایل کشاورزی ازقبیل گاو،قلبه وکوداند،ولی قسمت دیگر آن صاحب هیچگونه وسایل زراعتی نبوده وپس از تادیه بهره ما لکانه چیزی برای تأمین زندگی یکساله خویش ندارند و بدینجهت مجبور اندکه بازهم باآخرین نیروی کار خویش را مورد فروش قرارادهند و یا از ین و آن مقداری غله برای بخور نمیر قرض بگیرند ویاگدائی کنند. اینگروه ازدهقانان یامزدوران یاکارگران کشاورزی که فاقدهرگونه وسایل تولید اند وصرف از طریق فروش نیروی کار خویش روز وشب را میگذرانند ، فقیر ترین بخش از طبقه د هقان کشور را تشکیل میدهند که غا لبا به اردوی عظیم بیکاران می پیوندند .

مؤجز اینکه : دردهات افغانستان که اکثر یت عظیم نفوس کشور را احتوا مینماید، اقتصاد فئودالی تسلط کامل دارد وبهمین جهت عمده ترین تضاد درافغانستان بین مالك ودهقان است . بنابرهمین علت است که از سالیان دراز تاکنون که توده های عظیم زحمتکش د هقانان افغانستان در یوغ ستم فئودالیزم اسیر اند وبا وحشیانه ترین اسلوب مورد استثمار قرار گرفته اند. در دهات کشور تمام قدرت اقتصادی،اجتماعی در دست ملا کین متنفذ فئودال به همدستی مأموران دولت متمرکز است. ایشان میتوانند دهقانان را به بیگاری به برند ، قرضداران را به ز ندانهای شخصی و رسمی بیندازند، سرنوشت سیاه کودکان، دختران و زنان دهقانان را تعیین نمایند ...

سالهای متمادی است که دهقانان وخانواده آنان از ظلم وستم متنفذین وفئودالها دردهات ومأموران دولتی بستوه آمده اند وحاصل کار،کوشش وزحمت توانفرسا و نتیجه دسترنج آنهابه دیگران تعلق میگیردوخودشان درکمال عسرت وتنگدستی در زیر بارسنگین قرض وگرسنگی دست وپا میزنند .

توده های عظیم زحمتکش دهقانان عملا از هرگونه حقوق و آزادیهای ابتدائی محروم اند وماهیت طبقهٔ حاکمه فئودال کشور را در دهات خصوصیات اساسی استبداد سیاه شرقی وشیوه های عمل فا شیستی وقرون وسطائی علیه حقوق اساسی دهقانان تشکیل میدهد. محافل حاکمه سیاسی کشور از جمله حکومتها بابی اعتنائی می گذارند که خودسرانه همه حقوق و آزادیهای اجتماعی، اقتصادی وسیاسی وفرهنگی توده های ز حمتکش د هقا نان د ر زیر « پاشنه آهنین » مشتی فئودالهای متنفذ محلی ستمگر وظالم همچنان پایمال شود وبدینترتیب در برابر روش استبدادی واستثمار وحشیانه وخودسری ها واعمال قانون شکنانه متنفذین و مرتجعین محلی و عدم مراعات آنها درزمینه حقوق اساسی مردم هیچگو نه احساس مسؤولیت نمیکنند .

درنتیجه : ما براساس تحلیل علمی و قانون عینی تکامل جامعه بدین اصل معتقدیم که تا وقتیکه دهقانان کشور آزاد نشوند و یوغ ستم واستثمارفئودالیزم درهم نشکند ومسأله دهقانی حل نگردد و جنبش رهائی بخش دموکراتیك وملی کشور ما به انجام نر سد ، نمی توا ن به فقر و عقب ماندگی که از قرون متوالی دامنگیر مردم ماست پایان بخشید وبه استقلال اقتصادی و دموکراسی وترقی اجتماعی نایل آمد .

(ص ۳)

«اجمل خټک»

## ځلمی شاعر ته

د زلمیتوب د گرمی وینی په نوم
د بولیواله زړه پیغا م واخله
د شاعریءِ د و لو لو په نوم دی،
دتلوسو نه دك پیغام وا خله
که ز ما نه شی یو پولی دازغو
چه ته یی بخری ئی پروا نشته
که اور کی شی پلو شی پیداکړی
د غوټیارو کی هلو ساه نشته
په سمند ر کی چپی ډیری داشی
خو دساحل په اسره ځان تباه کړی
او چه ځان او پیژنی ځان وښیءِ
د نوح توفان شی یوجهان تباه کړی
که ته گوهر ئی بس د زړو په نرخ
ځماتار تار دانه ځولی واخله
که د غریب د زړگی نر خاځکی ئی
دانسان زړه د ر ته د ولی واخله
خوك په سرو نو باندی پیښنی کیږدی
خوك دفتوو په ډ ز و ځان لو ړ وی
ځما او ستا په شا نی ورك لیونی
ځان ورکوی خو ټول انسان لوړ وی
نیکان ، نیکان ، غښان، غښتان پیدا دی
دوی خوله خا یه جنتیان پیدادی
ځی هغو خوارو له جنت وگتو
کوم چه دموره دوز خیان پیدا دی
ای د ژ و ند یو و لولو زلمیه !
راځه چه زړو نه او لاسونه یو کړو
دغه د غیر و د یوال او نړ و و
د خپلولیو د یوا لو نه یو کړو
ځان ته د مینی یوبنه کور جوړ کړ و
د تس نس شو و نه یو ورور جو ړ کړو

از(ص اول)

# نهضت محصلان افغانستان...

تجربه وطن ما گواه برآن است که محصلان کشورما درراه دفاع از حقوق وآزادیهای د مو کرا تیك مردم، در مبارزه علیه امپریا لیسم، استعمار فرهنگی واختناق سیا سی وبخاطر تأمین خواسته های صنفی و اجتماعی خود مبارزات سرشار ا ز قهرمانی و افتخار رابراه انداخته اند، ودر سرزمین ستم زدهٔ ما باقربانی های خود لاله های رنگین امید را شگوفان ساخته اند. مبارزات دلیرانهٔ سیاسی روشنفکران و شا گر دان افغانستان درجنبش های آزادی بخش دوران مشروطه خواهی اول ودوم، وقیام مسلحانه رهائی بخش ملی ضد استعمار بریتا نیا، نبردشجاعانه آنها دردوران اختناق افغانستا ن و قهرمانی هائیکه در زیر زنجیر و شکنجه های تحمل ناپذیر، درزندانها وسیا هچا لهای وحشتناك قرو ن وسطائی ازخود نشان داده اندو ا ز اصول ملی وآزا دیخوا ها نه خود دفاع کرده اند، درسهای آموزنده ایست ازجانبازی ، تحمل و ا ستوا ری شکست ناپذیر شان در سیا هترین مراحل حیات اجتماعی افغا نستا ن که بهترین الهام بخش مبارزات کنونی ومیراث گرانبهای تاریخ ملی ما ست .

نهضت اتحادیه محصلین دوره هفتم «شو رای ملی» افغانستان، که سهم موثر وانگیز نده ئی در بیداری شعور سیاسی واجتماعی خلقها ی ما داشت، پایه های کهن استبداد را تا مرز تزلزل کشاند وریشه ها ی جنبش نوین ومتر قی را درکشتزار آزادی وطن ما دوانید. بجرأت میتوان گفت که اگر ارتداد وسازش گروهی از روشنفکران آن دوران وپاره ئی اشتبا هات گروههای سیاسی دوره هفتم نمی بود، جنبش اتحادیه محصلین افغانستان توانائی آ نرا داشت که به طلا ئیه دار در خشان مبارزات وسیع خلقهای افغا نستان وتوده های زحمتکش وطن ما تبدیل گردد، ونهضت میتوانست دراین مر حله برپایه مجرب تر، عالی تر و وسیعتر آن قرار دا شته با شد.

بعد از تظا هرات شهر یان کابل به رهبری محصلین وطن پرست و وآزادیخواه، برای دفاع از انتخابات آزاد دوره هشتم شور ی واستقرار دموکراسی، جنبش اتحادیه محصلین مورد سر کوب بی رحمانهٔ ارتجا ع افغانستان قرارگرفت، رهبران نهضت زندانی گردید ، و ضربهٔ هلاکتباری به جنبش رهائی بخش کشور ماوارد آمد، که در نتیجه اختناق جامعه مارا فرا گرفت وسا لهای فراوان سکوت سنگین وبیحالی سیاسی برخلق ها وفشار محصلین افغا نستان مسلط شد .

تغییر تناسب قواء در عرصه جهانی به نفع صلح، آزادی ملی، دمو کراسی وتر قی اجتماعی و نقش قاطع وتعیین کننده سیستم جها نی کشور های صلح دوست و مترقی درتکامل جنبشهای کارگری ونهضت های رهائی بخش ملی که تا کذیر توأم باچیده شدن بیشتر دا منه امپریالیسم، استعمار نوین وارتجاع گوناگون کشور های مختلف در اثر مبارزه متحد نیروهای صلح وترقی بود. که امکانات وشرایط مسا عد ووسیع رشد وتکامل سریع وبنیادی را برای همه کشور ها واز آن جمله کشور ها ی آسیائی، افریقا ئی و امریکای لاتین بوجود آورد .

بسط وتوسعهٔ منا سبات سیاسی واقتصادی افغانستان باکشور ها ی صلحدوست ومترقی تأثیر عظیمی در وضع ا جتما عی – ا قتصا دی ماوارد کرد. وعامل رشد نسبی اقتصادی و ازدیاد کمی وبیداری طبقه جوا ن کارگر افغانستان، روشنفکران ودیگر اقشار زحمتکش وطن ما گردید. این تغییرات اجتماعی، افزایش نیازمندی های مادی ومعنوی مردم وتأثیر رو ز افزون جنبشهای دمو کرا تیك و مترقی جهان، تلاش ومبارزه مردم مارا برای دمو کراسی، آزادی وترقی اجتماعی وبرای بدور اندا ختن یوغ ننگین اسارت استعمار نو وارتجا ع وارد مرحله نوین ووسیعتری گرد . تااینکه بعداز رویکار آمدن قا نو ن اساسی جدیدمبارزات انتخاباتی دوره دوازدهم شوری ناقوس بیدا ری خلقهای ستمکش افغانستان رادوباره بصدا درآورد، وانگیزه اسا سی بر خاستن واعتلای نهضت کار گری، وروشنفکری گردید .

تظاهرات شجا عانه سه عقرب و آشکارا شدن ماهیت ارتجاع، روحیه نوین را دربین جوانان افسرده کشورما دمید وسکوت مرگبار ایام ترس و وحشت از استبداد وارتجاع رادرهم شکست، امواج نوین تظا هرات، اعتصابات، میتنگ ها، وخطابه های کا ر گران و محصلان و جو انان کشور ما در کرانه ها ی خا موش وطن بهن گردید. وپرچم جنبشها ی وسیع ومبارزات دامنه دار روشنفکران در سنگر جنبش خلق، بخا طر محو ستم واستبداد وجلو گیری ازنفوذ استعمار نو وامپریالیسم وتلا شی ارتجاع، درراه رهائی توده ها اززنجیر انقیاد استثما ر گران و ستمگر ا ن برافراشته شد.

بدون شك تشریح وتحلیل عمقی این مرحله جنبش محصلین خیلی ها پرمضمون وآموزنده ودارای تجارب، غنا وگره های فراوان است .

ولی باوجود این همه فداکاری ها ودلاوری های فراوان ایجاب مینماید تا توجه محصلان وروشنفکران کشور بدین امر معطوف گردد که :

– آیا جنبش آ نها برای صحیح سالم واصولی حرکت میکند؟ آیا آنها در حوادث متعدد مرتکب اشتباهات ولغزشهای تسلیم طلبانه وچپ نمائی نگردیده اند؟ آیا آنها مسؤولیت ها ووظایف اولی وابتدائی خودرا درجنبش بسر رسانیده ا ند وپایه های مقدماتی واساسی نهضت محصلی را ریخته اندوبه تشکل وایجاد سازمان های صنفی واجتماعی خود پرداخته اند ؟

جواب این مسایل یقیناً خیلی ها نا مطلوب است .

بکمال تا سف باید اذعان داشت که نفاق وپراگندگی در بین محصلان حکمفرمائی دارد. مطالب وخواستهای خودرا بامنافع یکدیگر ارتباط منطقی داده نمیتوانند اختلافات اید ئولوژیکی سیاسی ومحلی خودرا قسماً، حتی تاسرحد دور شدن ازابتدائی ترین مبانی ومعیار های علم واخلاق مترقی ناشیانه در جنبش وارد میکنند، به تفرقه افگنان، ماجراجویان لافزن وجنجا لی ، صف شکن ها و منحرفین عصبانی که در تصامیم سیاسی وپیشبرد نهضت ابتدا ئی ترین اصول جهانبینی علمی رارهنمای عمل قرار نمیدهند وبامنطق متر قی به محاسبه وسنجش شرایط عینی وعوامل ذهنی نمی پردازند وصرف به فحش وناسزا واتهامات اکتفا میکنند، درصفوف خود راه میدهند. درطرح شعارهای سیاسی ومطالبات صنفی کمتر دقت کرده ، آن را به ترتیبی طرح نمی کنند که حلقه پیوند همگانی اکثریت محصلان گردد.

بعضاً لجوجانه وبا تعصب در برابر شعارهاوفعالیتهای یکدیگرعمل میکنند غالباً درتظاهرات، اعتصابات،میتنگ ها دارای شعار های مشخص متناسب به شرایط، تاکتیك درست،همبستگی وتشکل صحیح نمیبا شند.در جریان تظاهرات به خصومتها ومخا لفت های بی مورد میپردازند که آب به آسیاب ارتجاع ریخته وسبب پرا گند گی وتجرید از توده ها میشوند. در

(ص ٤)



ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

(دلومړی مخ پاتی)

# دافغانستان ملیونو نه وگړی...

حوادثو او پیښو مخی ته پرا ته دی، نو څکه نړ یږی، لوییږی، له مینځه ځی اوددی بد مر غو ژوند لا پسی برباد وی .

ژوند دخلکو «کورونه» د ډیرو لومړنیو صحی شرا ئطو نلرو نکی دی .

دکورونو مساحت ژوند د هیواد د هر و گړی لپاره تر هغې متو سطی اندا زی نه څوځلی کو چنی دی چه دیو متمد ن انسان لپاره ضرو ری دی.

ژوند دخلکو دستر اکثریت کورونه، حتی په ښا رو نو کښی پخلنځی، مستراح ا و .... نلری.

دهیواد په کلیو کی ا کثر کو رو نه کړکی نه لری اودا و ضع دلمرد نور اود آزادی هوا دور ننو تومانع گر زی اوپه نتیجه کی د راز راز مکرو بونو بیاپه تیره د سل د مکروب لپاره زمینه برابروی. ژوند دخلکو اکثر کورنی په یوه کوټه کی ژوند کو ی او دا پخپله دساری مر ضو نو دپیدا کیدو اود کو ر نیو په غړو کښی دسرایت سبب گر زی . پدی جهنمی کورو نو کی ډیر نیا لگی غو ټی سپری مگر پخوا له دی چه ځوا نی ته و رسیږی مړاوی کیږی ، وچیږی او له مینځه ځی. یوا زی څو محدودی کو ر نی دخو نو په کورونو کی ژوندکوی.

که په هیواد کی دغتانو ، اشرا فو اود قدرت دخاوندا نو په کورونوسترگی پټی کړو حتی دوطن په پایتخت کابل کی کو رو نه دردوونکی او نه زغمیدو نکی وضع لری .

پدی اساس ویل کیدی شی چه د هیواد په ښا رو نو او حتی په کابل کی په سلو کی ۸۵– ۹۰ کو ر نی په ډیرو بدو شرا ئطو کی ،یو څه په منځنیو شرایطو کی اویو نا څیزه اقلیت په ښواوعالی شرا یطو کی ژوند کو ی .

باید یادو نه و شی چه په ښارو نو کی پردی کو رو نو سربیره داسی سرا یونه او کو رونه شته دی چه لس گونه کور نی په هغوی کی ژوند کوی اود ټو لو لپا ره فقط یو مستراح مو جود دی چه ځینې وخت په هغوی کی ماشومانو ته وار نه ور رسیږی. یوه برخه بی کوره و طنوال په گارا ژو نو اود حما مو نو په گلخنو نو کی شپی تیروی . مسافر مزدوران ددکا نو نو تر ډ ډو لاندی یاپه جوما تو نو کی اوپه تودو شپو کی حتی په ویرا نو، دغرو په لمنواو هوا رو پټیو اود سر کو نو څنډو ته څملی، داده هیواد په ښارونو کی او له هغې جملی نه په کابل کی د ټا ټوبی حال.

داپه زړوره ویل کیدی شی چه داسی ټا ټوبی نه دکار کو لو، نه دفکر کولو اونه د ماشو مانو دروزلو لپاره وړدی . کار کر ا نی ، ما مو ران ، بز گران اوزده کو و نکی چه له ستوما نو نکی کار څخه وروسته کور ته راځی ، نشی کولی د ډ یرو کورونو په شرا یطو کی خپل قو ت بیا وموی او خپل ستو مانه اعصاب کرار کاندی .

انسان وروسته ترهر جسمی او دماغی کار نه مواظبت او آرام محیط ته اړدی ، مگر کورونه زموږ په هیواد کی داسی دی چه پخپله د رو حی نارو غیو اود کار او درس دقابلیت دکمولو عامل گرزی . ډیر لید ل شویدی چه دټا ټوبی بده وضعه په کور نیو کی دشخړو ، جگړو او جلا کیدو سبب گرزی ... پردی سربیره دټا ټوبی بد شرایط زموږ په ټولو اجتماعی او تولیدی او کلتوری چارو کی بده اغیزه کوی او پخپله دکلتوری او صحی عمومی ودی په لاره کی خنډونه را پیدا کوی .

که چیری یوه شیبه د هیوادد ښارونو او کلیو دخلکو له ژوند نه غورونو ، بیابانونو او دروته ور گرزو او هلته دکو چیانو شرایط ژور وڅیړو نو هلته به یوه شوچه ټا ټوبی څه ته وایی او صحت څه دی؟ ناپایه مزلونه ، نا معلوم سر نوشت له میږو او غو یو سره خوب او له ونسانو سره مزل په مزل با رو پل، دبارانونو او سیلاونو گالل ، دایمی رنځ ، دوا مداره بی علمی نه ختمیدو نکی فقر ، تربگنی، دښمنی او ډزی ..... ددری ملتو نو دکو چیانو لپاره آزادی او حقوق دهیڅ مفهوم لری . ددوی ستو مانی او کار نتیجه نلری . دټا ټوبی نشتوا لی دکو چیانی ژوند نه زموږ دپیړی تر ټولو ترخه او غمجنه ډرامه جوړه کړیده .

دافغا نستان مر تجعین وا یی «کو چیان جایی کیدل نه خو ښوی» .هغه خبری دی چه دملت ټاټو بی له هغوی نه اخلی او بیا ناری وهی چه ملت ټاټوبی نه غواړی او نه یی خو ښوی ، سلیقه نلری ، دکور په تنظیم بلد ندی . دهیواد داشرافو او اعیانو ددی خبرو ماهیت هرچا ته معلوم او هر څوك پو هیږی چه دوی دڅه لپاره دا خبری کوی .

داده دافغا نستان دخلکو د وژند دردناکه څیره چه ژورو، جدی، خلکی تدا بیرو او مبارز وته اړه ده دافغا نستان حکومتونو دخپلوطبقاتی خصو صیا تو پر بنا تل دا ښودلی ده چه نشی کولی دخلکو دژوندډبیگنی په لاره کی او چت گا مونه واخلی .

(ریدی)

از: (ص اول)

# جواب ممتاز ترانسپورت

انحصارات دولتی بروفق آن برای فروش آن به جد وجهد آغاز کرد اما موفق به فروش لاری ها نشدوبالاخره با (۱۹) مؤسسهٔ ترانسپورتی مرکز کابل وبا (٦) مؤسسهٔ ترانسپورتی دیگر واقع ولایات غربی مملکت که بر اساس قرار داد های منعقده باانحصارات درامور حمل و نقل اموال همکاری داشتند به تماس آمد ودربارهٔ فروش لاری ها مذاکرات مکرر بعمل اورد وانحصا رات باتو صیه های مرتب بمؤسسات ترانسپورتی وانمود میساخت که بمنظور حفظ سرمایهٔ ملی بخریداری لاری ها انحصارات را مساعدت نمائید تا تشو یشی که از ناحیهٔ مراقبت ومحافظت لاری ها موجود بود مرتفع سازند .

فلهذا (۱۹) مؤسسه ترانسپورتی مرکز تحت یك سلسله شرایطی برای خریداری لاری های مذکور پیشنهاد کردند که آنهم از طرف انحصارات به نفع دولت تغیر داده شد بالاخره چنین تجویز اتخاذ گردید تا ازروی حفظ روابط حسنهٔ معامله داری باساس نرخ معینه هیئت بااعتماد دولت که ماموریت خودهارابنام نیك گذشتانده ودرمیدان عمل امتحان صداقت داده بودند (وازآنجمله فعلا یك مردمحترم وباتقوی به صفت عضو شوری شامل میباشند) تانکر ها را (۲۰) فیصد بیشتر وبه مفاد دولت ومتباقی موتر های چکله را بعین نرخ معینه هیئت موصوفه خریداری نماید .

این تجویزفروش ازطرف انحصارات به مجلس عالی وزراء مشروحاً عرض شد ودر نتیجه مجلس عالی وزراء طی تصویب نمبر (۱۳٦۰) ار ۱۷ ر ۹ ۱۳٤۲ – بشرح ذیل تصمیم گرفت: «این پیشنهاد به مجلس وزراء قرائت شد . مجلس وزراء بنظریهٔ ریا ست انحصارات نسبت فروش موتر های مستعمل آن مؤسسه برطبق شرایطی که مورد موافقهٔ مؤسسات ترانسپورتی واقع شده موافقت دارد بازهم موضوع مذکور اعلان وبعد از طی مراحل به مورد اجراء گذارده شود.» باساس تصویب فوق مجلس عالی وزراء وموافقهٔ قبلی (۱۹) مؤسسهٔ ترانسپورتی مر کز مو تر های آتی الذکر انحصارات بمؤ سسات مذکور فروخته شد :

۱– موترهای ده تن ٤– عراده
۲– موترهای هشت تن ۳۱– عراده
۳– موتر های شش تن ۱۳۵–عراده
٤– زیل روسی ۲۷ – عراده
٥– زیس روسی ۷– عراده
٦– زیل جدید ٤½ تن روسی ۳۰ – عراده
جمله ۲۳٤ عراده

لست (۱۹) موسسه ترانسپورتی مرکز وولایات شرقی وشمالی مملکت باتعداد موتر هائیکه از انحصارات خریده اند قرار ذیل است:

۱– سیدامین الله رئیس هاشمی ترانسپورت ۱٤ – عراده
٥۰ – ۲۹۹۹۹٤٤ – افغانی
۲ – مراد علی رئیس حسینی ترانسپورت ۱۱– عراده
۲٥ – ۲۰۲۷۱۷۲ – افغانی
۳– میر احمد شاه رئیس میدان ترانسپورت ۱۲– عراده
٥۰ – ۲۰۷۳۸٤٤ – افغانی
٤– محمد حسین رئیس معصومی ترانسپورت ۱٤– عراده
۷٥ – ۲۲۷٤۰۱٦ – افغانی
٥– حا جی اقبال رئیس اقبال ترانسپورت ۱۱– عراده
٥۰ – ۱٥۹۳۳٤٤ – افغانی
٦ – حاجی قربان رئیس بامیان ترانسپورت ۱۱– عراده
۲٥ – ۲۰٥٥۱۷۲ – افغانی
۷– گل نبی رئیس احمد زایی ترانسپورت ۱٦– عراده
٥۰ – ۲۳۹۸۷٤٤ – افغانی
۸– علم گل رئیس یونسی وردك ترانسپورت ۱۰– عراده
۲٥ – ۱۳٤۸۱۷۲ – افغانی
۹– آقامحمد ر ئیس شیر ز ی ترانسپورت ۱۲– عراده
٥۰ – ۱۷۳۷۳٤٤ – افغانی
۱۰– حاجی عبد الحسین رئیس رضائی ترانسپورت ۱۸– عراده
۷٥ – ۳۳٤۹۰۱٦ – افغانی
۱۱– حاجی محمد بیگ رئیس لوړغر ترانسپورت ۱۱– عراده
٥۰ – ۱٥۱٦۳٤٤ – افغانی
۱۲– حاجی خانعلی رئیس خدایار ترانسپورت ۱۰– عراده
۲٥ – ۱۳٥۷۱۷۲ – افغانی
۱۳– فضل المنان رئیس بختور لطفی ترانسپورت ۱۰– عراده
۲٥ – ۱٦۳۱۱۷۲ – افغانی
۱٤– محمد انور رئیس قطغن ترانسپورت ۱٤– عراده
٥۰ – ۲٤٥۸۳٤٤ – افغانی
۱٥– محمد عمر رئیس ممتاز ترانسپورت ۱٦– عراده
٥۰ – ۳۱۰٥۳٤٤ – افغانی
۱٦– فضل الرحمن رئیس خوگیانی ترانسپورت ۱۰– عراده
۲٥ – ۱٤٤٤۱۷۱ – افغانی
۱۷– غلام حسن رئیس جلال کوت ترانسپورت ۱۰– عراده
۲٥ – ۱۳۷۷٥۷۲ – افغانی
۱۸– عبد الفتاح معاون پنجشیر ترانسپورت ۱۳– عراده
۲٥ – ۱۸۹٦۱۷۲ – افغانی
۱۹– محمد یعقوب رئیس کابل ترانسپورت ۱۱– عراده
۲٥ – ۱٤۲۱۱۷۲ – افغانی
جمله ۲۳٤ عراده

بازهم باساس مصوبهٔ مجلس عالی وزراء کیفیت بغرض مزایده به جراید مرکز و ولایات و رادیو افغانستان اعلان شد که اگرشخص ویا مؤسسهٔ دیگری بشرایط نسبتاً مساعد تر آنهارا خریداری می نماید حاضرشود هیچ موسسه وشخص حاضر نشد. متعاقباً (٤۳) عراده موتر باقیمانده برای شش مؤ سسهٔ ترانسپورتی ولایات غر بی مملکت فروخته شد به تفصیل ذیل :

۱– رئیس قند هار ترانسپورت ۱۹ – عراده ۲۳۸۰۰۰۰ – افغانی
۲– رئیس انصاری ترا نسپورت ۷ – عراده ٥۰۹۰۰۰ – افغانی
۳– ر ئیس جامی ترانسپورت ٤– عراده ٥۰۹۰۰۰ – افغانی
٤– رئیس فراه ترا نسپورت ۳ – عراده ۳۷۸۰۰۰ – افغانی
٥– رئیس حکیم سنائی ترانسپورت ٦ – عراده ٦۳۰۰۰۰ – افغانی
٦– رئیس هلمند ترا نسپورت ٤– عراده ۳۷۸۰۰۰ – افغانی
جمله ٤۳ – عراده

مجموع مؤ سسا ت ترانسپورتی خریدار (۲٥) موسسه وتعداد عمومی موترهای فروش شده (۲۷۷) عراده ممتاز ترانسپورت ا ز جملهٔ (۲٥) موسسهٔ ترانسپورتی فوق محض یك موسسه وازجمله موترهای مستعمل فروش شدهٔ انحصارا ت تنها (۱٦) عراده را خرید وبعد ازاصلاح وترمیم ونصب تانك های جدید بکاروفعالیت سوق داده شد.»

* * *

**پرچم :**

**تجربهٔ پراهمیتی که از غوغای ممتاز ترانسپورت در برابر راپور انجمن مالی ولسی جرگه ونشرجریدهٔ پرچم درزمینه بوجود آمده ، عبارت ازین است که یکبار دیگر بصورت مشهود ثابت شدکه چطور صاحبان سرمایه وشرکتهای بزرگ درمحافل ودستگاه حاکمهٔ کشور نفوذ وقدرت عظیمی را دارا هستند وباهم منافع مشترك دارند، و چگونه قدرتهای سیاسی رابه نفع خویش میچرخانند.**

**پرچم ازتمام عناصر آگاه وعلاقمند بحفظ دارایی ملی واعتلای اقتصادی کشور خواهش میکند، هر گو نه معلوماتیکه درمورد ممتاز ترانسپورت دارند بما ارسال نمایند تابسوالات بی شماریکه مردم راجع به ممتاز ترانسپورت ازما میکنند روشنی انداخته شود .**

از: (ص اول)

# اعتصاب وتظاهرات ...

– کار گرانیکه با سوادند، باید در قرار داد امضای شان گرفته شود .
– فارغان کورس برمه کاری برای تحصیلات تخصصی به تخنیکم گرفته شوند .
– برای مامورین فنی معاش منطقوی منظور گردد .
– کار گرانیکه از بست منفك شده اند، شامل کار شوند .
– سر گرو پها ئیکه با کار گرا ن پیش آمد خراب دارند بر طر ف شوند .
– معاش روز های اعتصاب کارگران اجرا گردد .

از: اسکاف

## روزی رسد که ...

طوفان خشم خلق اگراین سان فزون شود
روزی رسد که کاخ ستم واژگون شود.
گر توده های رنجبران متحد شوند ،
بی شبهه دشمنان همه جاسرنگون شود.
ای خلق های پاك جهان ای ستمکشان !
باهم یکی شوید که دشمن زبون شود.
ازهر شگاف دردل خصمت نفوذکن ،
تاد شمن تو منفجر از اندرون شود.
ای آفتاب صبح سعادت درخششی!
تاپاره پرده های شب پر فسو ن شود .
ای قهرمان رزمگه روز امتحان !
از خون تو در فش و طن لا له گون شود.
«اسکاف» در مبارزه مر گ وزندگی :
سلی یأس قسمت مر د جبو ن شود.

«تیمور» قند زدن

## ایشچی گه

کورش (۱) یو لچی سی ایشچی !
ظفر ایلچی سی ایشچی !
باش کوتر... کوزینگنی آچ !
تیبرن .. ایلگری یو گور ..بختینگه باق!
سیند یرایندی قیغو (۲) کیش لری نی..
آزاد بور گوت (۳) کبی قنات قا قیب اوچ..
قوو یاش وادیسی تامان.
او لوغ برهدف او چون :
«اوزینگ نینگ ایر کن لیگینگ..
یرچه خلق ایر کین لیگی (٤)».
بو دور سینینگ او لوغ مقصدینگ .

* * *

ایشچی سین بیله سن می؟
سین حیا ت دینگیزی (٥) نینگ تولقونی (٦) سن !
سین تیر یکلیك بحری نینگ چابقونی (۷) سن !
آزاد لیك کیمه سینی .
سین بتو شتور گیسن نجات یورتیگه .
بختیار لیك گوز ل یا قین یولدوزی ،
قراتو من آرقه سیدن...
نور سا چر سین تا ما نگه .
ایندی سو گه اینمه با ر یب تو شینگی !
ایندی سیر ایتمگل خیال با غیده!
ایر کین لیگینگ او چون فقط بریول بار..
فقط او لوغ بر یول: کو رش نینگ یولی..
صنفی کو رش یولی.. غلبه ساری !

(۱) مبارزه (۲) غم، قتیغ تأ ثر (۳)عقاب (٤) ایر کین لیگ :آزا د لیك. ایرکین : آزاد (٥) دینگیز : بحر، او قیانوس (٦) تولقون : مو ج . (۷) چابقون: بو ران، طو فان.

از (ص ۲)

# دربارهٔ مسأله دهقانی

طبعاً برای نیل به این هدف باید توده های عظیم زحمتکش دهقانان به اتفاق مالکین کو چك ومتوسط (باحفظ هوشیاری دربرابر این بخش) به اتحاد کارگران درجنبش جلب گردند. طوریکه تجربه نشان داده است بخشهای مختلف د هقا نان زحمتکش (دهقانان بی بضاعت، دهقانان فقیر و کار گران مزدور وپیشه وران ده) بالترتیب بنابروضع اقتصادی واجتماعی خویش میتوانند تبلیغا ت رهائی بخش را به پذیرند وبه جنبش سوق داده شوند. زیرا آنها درجنبش رهائی بخش دموکراتیك وملی کاملا ذینفع اند .

برای تحقق بخشیدن به این امر (در حا لیکه در وضع کنونی کار درشهر ها بمثابه پایگاه اساسی جنبش اوج می گیرد) باید به تدریج کار در دهات را نیز فراگرفت وسعی فراوان مبذول داشت تا دهقانان را بیدار کرد، آنهارا به مبارزه ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم جلب نمود ...

البته تمام این امور بدون شتابزدگی، در جریان کار ومبارزه طولانی امکان پذیر است . همچنین برای آنکه کار د ر دهات مقرون باپیروزی گردد، باید جداً به انحراف چپ وراست متوجه بود وازماجراجوئی احتراز کرد. باید شیوه های راانتخاب کردکه از یکسو از دهقانان تجرید نگردید واز سوی دیگر کار وفعالیت جوانان پیشرو و طن برای دهقانان قابل فهم باشد. زیرا کار در شهر وده باهم تفاوت دارد. باید بادهقانان آمیزش کرد واز آنهایاد گرفت وبه آنها آموختاند وزندگی سخت در ده را متحمل شد .

جوانان و طنپرست و ترقیخواه کشور باید بزندگی در دهات کشور عادت گیرند وبا دهقانان کار کنند، باآنها یکجا زندگی نمایند ، یکجا غذا بخورند، عنعنات ورسوم آنهارا احترام کنندوبااحتیاط ضررخرافات را به آنها بفهمانند ، ضروری ترین احتیاجات دهقانان را به دقت درك کنند و با ایشان درین راه دوست و یاور باشند. با شناخت بخشهای مختلف دهقانان به هریك آنان برخورد دقیق واصولی نمایند.

بمنظور بیداری د هقانان باید به زبان آنها صحبت کرد وشعارهای مشخص و قابل فهمی را ارائه نمود ودر ایجاد کورسهای سواد خوانی سعی فراوان مبذول داشت ...

درخاتمه خاطر نشان میگردد که: تنها از طریق به پیروزی رساندن جنبش رهائی بخش ملی ودموکراتیك ضد فئودالیزم وضد امپریالیزم بسر منزل نهائی آن «به هدف غائی» است که : میتوان ستم واستثمار دهقانان وبیکاری را کاملا از جامعه ازبین برد، تمام دهقانان را ازلحاظ زمین تأمین کرد، حیات اقتصادی واجتماعی آنهارا بهبودی بخشید، نیروی کار آنهارا بر مبنا ی اتحاد داو طلبانه در کوپراتیفهای زراعتی متمرکز ساخت وتکنیك جدید زراعتی ودانش پیشرو زراعتی را دراختیار آنها گذاشت ، کار آنهارا پرثمر وحاصل زمین را بیشتر نمود ودرنتیجه مسأله خوارو بار ومسأله دهقانی راکه مستقیماً به منافع اکثریت عظیم مردم کشور ما مربوط است بصورت بنیا دی حل کرد و بقایای نظامهای قرون وسطائی وفئودالی را از جامعه ریشه کن ساخت .

پرچم
هره دوشنبه خپریږی
دتاسیس کال : د۱۳٤٦ (کب) .
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)
آدرس : غوثی مارکیټ محمد جانخان واټ کابل، افغانستان
اشتراك
په مرکزکی دکال ۱۰۰ – افغانی.
په ولایاتو او پښتو نستان کی دکال ۱۱۰–افغانی.
له هیوادنه دباندی دکال ۱۰– دالره
یوه گڼه ۲–افغانی.
دولتی مطبعه